



مای درسی

درس یازدهم: خاک آزادگان

۱- به خون گر کشی خاک من ، دشمن من بجوشد گل اندر گل از گلشن من

قلمرو زبانی: به خون کشیدن : گشتن / بجوشد: بروید

قلمرو ادبی: به خون کشیدن کنایه از نابود کردن، گشتن / خاک: مجاز از سرزمین / گل : استعاره از رزمندگان

/ گلشن: استعاره از «کشور» / واج آرایی «ن» و «گ»

قلمرو فکری: ای دشمن، اگر خون مردم کشورم را بریزی و آنها را بُکشی، از خون شهیدان گل‌های زیادی خواهد رویید. (جوانان وطنم راه شهیدان را ادامه خواهند داد.)

۲- تم گر بسوزی ، به تیرم بدوزی جدا سازی ای خصم ، سر از تن من

قلمرو زبانی: «م» در «تم» : مضاف الیه (تن من) / «م» در «به تیرم» : مفعول (با تیر من را) / خصم : دشمن / بسوزی: بسوزانی / این بیت و بیت بعد موقوف المعانی اند.

قلمرو ادبی: به تیر دوختن : کنایه از کشتن / سر از تن جدا کردن: کنایه از کشتن / بسوزی، بدوزی: جناس ناهمسان / جناس: تن، من / واج آرای: «س»

قلمرو فکری: ای دشمن، اگر بدنم را بسوزانی و مرا تیرباران کنی و سرم را از بدنم جدا کنی...

۳- کجا می توانی ، ز قلبم ربایی تو عشق میان من و میهن من ؟

قلمرو زبانی: کجا: چگونه / ربودن : دزدیدن

قلمرو ادبی: قلب: مجاز از وجود / پرسش انکاری / واج آرای «م»، «ن»

قلمرو فکری: هرگز نخواهی توانست این عشقی را که میان من و میهنم است، از من بگیری.

۴- من ایرانی ام ، آرمانم شهادت تجلی هستی است ، جان کندن من

قلمرو زبانی: تجلی : آشکار شدن / حذف فعل به قرینه معنایی: آرمانم شهادت [است]

قلمرو ادبی: تلمیح به آیه: ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون / جان کندن ، تجلی هستی است: متناقض نما / واج آرای «ن»

قلمرو فکری: من ایرانی هستم و آرزوی من شهادت است و مرگ من باعث زندگی دوباره است. (به زندگی و جاودانگی راستین دست می یابم.)

۵- مپندار این شعله ، افسرده گردد که بعد از من افروزد از مدفن من

قلمرو زبانی: مدفن : جای دفن

قلمرو ادبی: شعله : مجاز از گرمی / شعله : استعاره از عشق به میهن / واج آرای: «ز»، «د»

قلمرو فکری: تصور نکن که شعله‌ی عشق من نسبت به وطنم، سرد و خاموش می شود. این شعله پس از مرگ نیز از قبرم زبانه خواهد کشید. (عشق به وطن در وجودم پایان ناپذیر و جاودانه است.)

۶- نه تسلیم و سازش ، نه تکریم و خواهش بتازد به نیرنگ تو ، توسن من

قلمرو زبانی: تکریم: بزرگ داشت / تو: دشمن / توسن: اسب سرکش

قلمرو ادبی: توسن : استعاره از عزم و اراده

قلمرو فکری: ای دشمن، از تو اطاعت نمی‌کنم و با تو صلح نمی‌کنم. تو را گرامی نمی‌دارم و از تو خواهشی نمی‌کنم. به حيله و فریب تو هجوم می‌آورم و در برابر آن پایداری می‌کنم.

۷- کنون رودِ خلق است ، دریای جوشان همه خوشه خشم شد خرمن من

قلمرو ادبی: رود خلق: اضافه تشبیهی / خوشه خشم: اضافه تشبیهی / خرمن: استعاره از وجود / واج آرایبی «ش» «خ»

قلمرو فکری: اکنون مردمی که چون رود جاری بودند، تبدیل به دریای مواج گشتند. (متحد شده اند). وجود من نیز پر از خشم و نفرت نسبت به دشمنان شده است.

۸- من آزاده از خاکِ آزادگانم گلِ صبر ، می پرورد دامن من

قلمرو ادبی: خاک آزادگان: مجاز از ایران / گل صبر: اضافه استعاری / در دامن پروردن: کنایه از تربیت و رشد دادن / خاک : مجاز از سرزمین / مصراع دوم: کنایه از صبر و شکیبایی

قلمرو فکری: من آزاده‌ای از سرزمین آزادگان (ایران) هستم. صبر و بردباری را مثل گلی پرورش می‌دهم و همیشه صبور خواهم بود.

۹- جز از جامِ توحید ، هرگز نوشم زنی گر به تیغ ستم گردن من

قلمرو زبانی: تیغ: شمشیر

قلمرو ادبی: جام توحید : اضافه تشبیهی / تیغ ستم: اضافه تشبیهی / جام: مجاز از شراب

قلمرو فکری: تنها به یگانگی خداوند اعتقاد دارم (یکتا پرستم) حتی اگر به خاطر باورم ، ظالمانه مرا بگشی!

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir